

*Research Article*

## Investigating Feminine and Masculine Language (Case Study: Hammadi and Akbari's Translation of Novel *Al-Aswad Yaliq Bek*)

Fatemeh Ravanshad<sup>1</sup>, Fereshteh Afzali<sup>2\*</sup>

### Abstract

Translation between languages that have both feminine and masculine gender markers has been consistently problematic and new researches in this field emphasize that the individual and gender identity of the translator has an effect on the translation of texts. The current research is a descriptive-analytical study that examines the translated work and compares it with the source text. In this research, we investigate how two Iranian male and female translators translate the language and views of an Arabic female writer and analyze the effect of the differences between these two translators. For this reason, we examine the difference in the translator's translation based on the components of Sarah Mills's feminine style in the lexical and syntactic layer, which are explored in the source text on the novel *Al-Aswad Yaliq Bek* novel by Ahlam Mostaghanemi and translated by Maryam Akbari and Mohammad Hammadi. The research method is that we first extract the components of women's writing, then we compare with the two translations of these two translators. And we are looking to answer this question through a comparative analysis and finding the differences in the writing style of a female author and two male and female translators. Have both translators been successful in conveying and depicting the beauty of the female writer's pen? What are the differences and similarities in the work of the two? The findings of the research indicate that Akbari and Hammadi had a similar performance in seven components out of a total of eleven components and different performance in four components.

**Keywords:** Gender Difference, Translation, Vocabulary, Syntax, *Al-Aswad Yaliq Bek*

**How to Cite:** Ravanshad F, Afzali F., Investigating Feminine and Masculine Language (Case Study: Hammadi and Akbari's Translation of Novel *Al-Aswad Yaliq Bek*), *Journal of Comparative Literature Studies*, 2025;19(75):143-163.

1. Master's degree in Arabic translation from Damghan University, Damghan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Arabic Translation, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran

## بررسی زبان زنانه و مردانه (موردپژوهی: ترجمه حمادی و اکبری از رمان الأسود یلیق بک)

فاطمه روان شاد<sup>۱</sup> فرشته افضلی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

ترجمه در میان زبان‌هایی که نشانه‌های جنس مؤنث و مذکر دارند، پیوسته مشکل‌ساز بوده است و پژوهش‌های جدید در این حوزه تأکید می‌کند که هویت فردی و جنسیتی مترجم بر ترجمه متون تأثیرگذار است. پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است که به بررسی اثر ترجمه‌شده و مقابله آن با متن مبدأ می‌پردازد و در آن چگونگی ترجمه دو مترجم زن و مرد ایرانی از زبان و دیدگاه‌های نویسنده زن عربی و تأثیر تفاوت‌های آنها مقایسه می‌گردد. به این سبب به بررسی تفاوت ترجمه بر پایه مؤلفه‌های سبک زنانه سارا میلز در لایه واژگانی و نحوی می‌پردازیم که این داده‌ها در متن مبدأ بر روی رمان الأسود یلیق بک از احلام مستغانمی و ترجمه مریم اکبری و محمد حمادی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. روش پژوهش این گونه است که ابتدا مؤلفه‌های زنانه‌نویسی را استخراج، آنگاه با دو ترجمه مقایسه می‌کنیم و در پی آن هستیم که از راه بررسی مقابله‌ای و یافتن تفاوت‌هایی که در سبک نگارش نویسنده زن و دو مترجم زن و مرد وجود دارد، به این پرسش پاسخ دهیم که آیا هر دو مترجم در انتقال قلم نویسنده زن موفق عمل کرده‌اند؟ و چه تفاوت و شباهتی در کار آن دو وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اکبری و حمادی در هفت مؤلفه از مجموع یازده مؤلفه، عملکردی شبیه به هم و در چهار مؤلفه، عملکردی متفاوت داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** تفاوت جنسیتی، ترجمه، واژگان، نحو، الأسود یلیق بک

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

۲. استادیار مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

## مقدمه و بیان مسئله

در نگاه فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که در کنار سایر روش‌ها به منظور بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود. «یکی از موضوع‌های اصلی این تحلیل گفتمان، نابرابری‌های اجتماعی و کشمکش میان قدرت است که نقش گفتمان را در شکل‌گیری نابرابری و سلطه نشان می‌دهد» (Littosseliti & Sunderland, 2002: 132). بسیاری از پژوهشگران مانند چمبرلین<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، وُن فلوتو<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) و سایمن<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) در زمینه جنسیت و ترجمه مسائلی مطرح کرده‌اند. جنسیت و باورهای جنسی، مفاهیمی متغیر است که ساختارهایی قراردادی دارد و به عواملی چون سن، جنسیت، مذهب، گرایش‌های جنسیتی و ... بستگی دارد. هنگامی که واژه جنسیت را به کار می‌بریم نخستین برداشت ذهنی ما، تصویری زنانه و مردانه و اندیشیدن درباره انواع تفاوت‌های ظاهری و رفتاری فرد است. به بیان دیگر، ساده‌ترین مفهوم جنسیت یعنی تفاوت، از ویژگی‌های زیستی تا ویژگی‌های اجتماعی، روان‌شناسی و ... زیرا زن و مرد در طبیعت خود موجوداتی متفاوت هستند و هر یک ویژگی‌ها و توانایی‌های گوناگونی دارند؛ برخی از این تفاوت‌ها بیشتر منشأ زیست‌شناختی و ریشه در ماهیت جنسیت فرد دارد و برخی دیگر با توجه به عواملی چون اجتماع، تجربه‌های شخصی، مهارت و ... در افراد گوناگون متفاوت است.

مطالعه زبان‌شناسان در حوزه‌ی تغییرات زبان، این نتیجه را در پی دارد که مردان و زنان هر یک به گونه‌ای متفاوت، زبان را به کار می‌برند؛ برخی از زبان‌ها دارای نشانه‌های مذکر و مؤنث و نوشتار و دستور جداگانه‌ای برای این دو جنس است که کار مترجم را در امر ترجمه دشوار می‌سازد.

کمتر می‌توان پژوهش‌هایی را یافت که به مقایسه ترجمه‌های گوناگون از یک اثر بپردازد و تأثیر نگرش‌های متفاوت را در ترجمه واکاوی کند (Flotow, 1997: 61). مطالعات فرهنگی در حوزه مطالعات ترجمه سبب شد که به تأثیر پیچیدگی‌های فرهنگی و جنسیتی در ترجمه توجه بیشتری گردد و ترجمه را از سطح مطالعات زبان‌شناسی به حوزه‌های جدید مطالعاتی چون پساساختارگرایی، پسامدرنیسم و پسااستعماری وارد کند؛ بنابراین عامل جنسیت یک ساختار فرهنگی و زبان یک عامل زبانی-اجتماعی است (Simon, 1996: 136).

1 Chamberlain

2 Von Flotow

3 Simon

هر نوشته و ترجمه‌ای گویای جنسیت و هویت جنسی نویسنده و مترجم خود است، به طوری که هرگاه مترجم مردی قصد ترجمه متنی را داشته باشد که نویسنده آن یک زن است، دیدگاه‌ها و باورهای مردانه او راه را برای ارائه ترجمه پذیرفته‌ای که همه ظرافت‌ها و زیبایی‌های زبان زنانه نویسنده را دارا باشد، می‌بندد. به همین سبب مسائل مربوط به جنسیت را باید این‌گونه بیان نمود: با در نظر گرفتن این مطلب که مترجم یک متن مرد است یا زن، جنسیت چه زمانی، به چه صورت و کجا بر کار مترجم تأثیر می‌گذارد؟ و جنسیت مترجم می‌تواند می‌تواند تفاوتی در ترجمه متون ادبی ایجاد کند. با توجه به اینکه معنا در درون متن ثابت نیست، هر مترجمی بنا بر ویژگی‌های شخصیتی و روانی خود بر روی بخش‌های متفاوتی از متن تأکید می‌کند. در داستان‌هایی که به هویت زنان می‌پردازد، برداشت مترجمان از بیان احساسات زنان و پیرنگ‌های زنانه به عواملی مانند آگاهی مترجم زن و مرد از فرهنگ مردسالارانه در جامعه مبدأ و مقصد بستگی دارد. ممکن است ترجمه یک مترجم مرد بخش‌هایی از پیام نویسنده زن را انتقال ندهد. حتی یک مترجم زن نیز شاید نتواند پیام یک زن نویسنده را انتقال دهد؛ زیرا، قراردادهای ساختارهای اجتماعی - فرهنگی که در پیوند با جنسیت بر جامعه حکم‌فرما است، او را خاموش و سرکوب می‌کند. حال باید دید مترجم زن و مرد تا چه میزان در برخورد با ویژگی‌های نوشتار زنانه رمان، آن‌ها را رعایت و به صورت درست‌نویسی به ترجمه خود انتقال می‌دهد.

### روش و پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی است که به بررسی اثر ترجمه‌شده و مقابله آن با متن مبدأ می‌پردازد. هدف از این پژوهش، بررسی تفاوت ترجمه دو مترجم بر پایه مؤلفه‌های سبک زنانه سارا میلز در لایه واژگانی و نحوی است که این داده‌ها در متن مبدأ، رمان (الأسود یلیق بک) از احلام مستغانمی و متن مقصد (سیاه براننده توست) ترجمه مریم اکبری و (مشکی براننده توست) ترجمه محمد حمادی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. شیوه پژوهش بدین‌گونه است که ابتدا مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در این رمان بر اساس دسته‌بندی میلز از متن اصلی استخراج شده و سپس با دو ترجمه اکبری و حمادی مقایسه می‌گردد تا کیفیت انتقال این مؤلفه‌ها در ترجمه‌هایشان مشخص گردد. به این منظور پس از بررسی واژه به واژه در لایه واژگانی به بررسی جمله می‌پردازیم. پرسش‌های پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود:

۱. اکبری و حمادی چگونه توانسته‌اند شیوه خاص زبان زنانه احلام مستغانمی را در ترجمه رمان «الأسود یلیق بک» بر پایه مؤلفه‌های سارا میلز انتقال دهند؟
۲. مترجم زن و مرد در کدام یک از مؤلفه‌ها متفاوت و در کدام یک شبیه به هم عمل کرده‌اند؟

### پیشینه پژوهش

در زمینه زن، جنسیت و ترجمه پژوهش‌های بسیاری انجام شده است، برای نمونه: مقاله «بررسی تأثیر جنسیت و ایدئولوژی مترجم در ترجمه حکمت‌ها، خطبه‌ها و نامه‌های مرتبط با زنان در نهج‌البلاغه» از زند رحیمی و آخوندی (۱۴۰۰)، به نقش ایدئولوژی مترجمان پرداخته و به این یافته رسیده که در بسیاری از موارد، مترجم مرد برخلاف مترجم زن با نگرش مثبت به زنان دست به ترجمه زده است.

- مقاله «بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمه رمان» از تقدیمی نوغانی و عزتی (۱۳۹۵) به بررسی ویژگی‌های زبان زنانه و مردانه در ترجمه ده رمان انگلیسی به فارسی پرداخته است.

- مقاله «تأثیر زبان زنانه و نگرش‌های فرهنگی - جنسیتی بر ترجمه» از شریفی‌فر و زند (۱۳۹۲) به بررسی چگونگی ترجمه دو مترجم زن ایرانی و دیدگاه‌های یک نویسنده زن هندی در سطح واژگان پرداخته و به این یافته رسیده است که زنان مترجم شیوه خاص بیان و زبان زنانه نویسنده را به اثر خود انتقال داده‌اند.

- پایان‌نامه «سبک زنانه در داستان‌های کوتاه فارسی بر اساس چارچوب سارا میلز، بررسی داستان‌های کوتاه غزاله علیزاده و مصطفی مستور» از ندا زارع (۱۳۹۵) تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که آیا نویسندگان زن، صاحب سبک جدایی در داستان‌های کوتاه هستند یا خیر.

- مقاله «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی» (۱۳۹۱) از نیکوبخت و دیگران، برجسته‌ترین وجوه سبکی آثار این نویسنده با رهیافت سبک‌شناسی فمینیستی را در سطوح مختلف متن (واژگان، جملات و سطح گفتمان) تحلیل کرده است.

- مقاله «زبان زنانه و ترجمه (مطالعه موردی: کاغذ دیواری زرد)» از هادی‌پور و بهرامی‌نظرآبادی (۱۳۹۶) به بررسی ویژگی‌های زبان زنانه براساس چارچوب نظری لیکاف در ترجمه‌های مترجمان زن و مرد پرداخته است.

- مقاله «تحلیل متغیر جنسیت در گفتمان غالب نویسندگان زن ایرانی بر اساس الگوی زبانی سارا میلز» از سراج (۱۳۹۶) سه رمان را بر اساس رویکرد زبانی سارا میلز بررسی کرده است. و در زمینه رمان «الأسود یلیق بک»:

- مقاله «مقایسه نقدیه فی روایة أحلام مستغانمی (الأسود یلیق بک) از حمود، این رمان را از نظر شخصیت مذکر و مؤنث، زبان و ... مورد بررسی قرار داده است.

-مقاله «تصویرشناسی جنسیت (جنس مرد) در رمان «کولی کنار آتش» روانی پور و رمان «الأسود یلیق بک» احلام مستغانمی از ابوعلی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی جملات، عبارات و واژگان به کار رفته در این دو رمان و گونه‌های عناصر ارائه شده از جنس مخالف از جانب این دو نویسنده می‌پردازد.

-مقاله «نمود مشخصه‌های زنانه‌نویسی در رمان الأسود یلیق بک احلام مستغانمی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز از روان‌شاد و افضل‌ی (۱۴۰۱) مؤلفه‌های زنانه‌نویسی رمان را در سه سطح تحلیل می‌کند تا ببیند این مؤلفه‌ها از الگوی موردنظر پیروی کرده است یا نه.

-مقاله «بررسی تطبیقی شخصیت و مکان در رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» از زویا پیرزاد و «الأسود یلیق بک» احلام مستغانمی از سلیمی سوسن‌آبادی (۱۳۹۷) شخصیت، حوادث، پیرنگ، مکان و ..داستان را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

با توجه به پیشینه پژوهش ارائه شده، تاکنون مطالعه‌ای در زمینه تفاوت ترجمه مرد و زن در رمان الأسود یلیق بک از عربی به فارسی انجام نشده است.

### تفاوت‌های جنسیتی

نقش‌های جنسیتی، مفاهیمی فرهنگ‌محور هستند که هنجارهای تعریف‌شده برای جنسیت‌های گوناگون با هم تفاوت دارد. تقریباً رفتارهای جنسیتی در بسیاری از جوامع با هم شباهت دارد و یا در قالب کلیشه‌ها به افراد ارائه می‌گردد. به گفته کاری<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) جنسیت به نقش‌ها، رفتارها و ویژگی‌های اجتماعی گفته می‌شود که هر جامعه برای زن یا مرد مناسب می‌داند.

تفاوت جنسیتی انحصاری، گونه‌های گفتاری متفاوت زنان و مردان را در یک جامعه مشخص در برمی‌گیرد (اوگریدی، ۱۳۹۴ش: ۵۳۶). زنان و مردان هر یک زبان ویژه خود را دارند که این تفاوت در اجتماع و فرهنگ شکل می‌گیرد. برخی از پرسش‌ها که درباره زبان زنان و مردان مطرح می‌شود، این‌گونه است: رفتارهای زبانی زنان و مردان چه تفاوتی با هم دارد؟ «زبان زنانه» به معنی گونه کاربردی وجود دارد؟ مرزبندی دو قطبی (زن / مرد) تا چه اندازه در ذات زبان وجود دارد؟ تفاوت ساخت‌های آوایی زبان زنان با مردان در چیست؟ و... (فتوحی، ۱۳۹۰ش: ۳۹۷). لیکاف تأکید می‌کند که زنان به سبب نداشتن قدرت و داشتن زبان محتاطانه، با زبانی ضعیف حرف می‌زنند. وجود نمونه‌هایی از کاربرد ابزارهای تضعیف‌کننده مانند آهنگ مردد، ناسزاهای

ملايم‌تر، بيان مطالب به‌صورت پرسشی با پرسش‌های‌های ضمیمه‌ای در کلام زنان، سبب اشاره به این سبک زنانه بوده است (یزدانی و جندقی، ۱۳۸۸ش: ۲۶۲).

باورهای فمینیست‌ها دربارهٔ زبان گوناگون است و بخشی از این گوناگونی از تنوع اندیشه‌ها و گرایش‌های گوناگون در حوزهٔ عقیده‌های فمینیسم نشأت می‌گیرد و بخش دیگر آن در گرو فراوانی چارچوب‌های نظری، عملی و شیوه‌های سخن در عصر جدید است که به بررسی زبان از دیدگاه‌های گوناگون می‌پردازد (Cameron, 1990: 1). جنسیت در زبان مانند همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی انسان، امری طبیعی است. فمینیست‌ها نیز تفاوت‌های دو جنس را در همهٔ زمینه‌ها، طبیعی می‌دانند (فتوحی، ۱۳۹۰ش: ۴۱۲). زنان ترجیح می‌دهند در نوشته‌های خود واژگان و ویژه‌ای به‌کار ببرند و می‌توانند واژگان ساده را با تسلط بیشتری بیان کنند (گرین و لیبهان، ۱۳۸۳ش: ۶۸-۷۲). سیسکو<sup>۱</sup> بر این باور است که زنان باید نوشتاری ویژهٔ خود داشته باشند و به موضوعاتی که دور از دنیای مردانه است بپردازند. وی معتقد است زنان می‌توانند دنیا را با این گونه نوشتار تغییر دهند (العزیزی، ۲۰۰۵م: ۲۱۴). از این روی در زنانه‌نویسی، متن دارای آوا و درون‌مایه‌ای زنانه است، یعنی زبانی متفاوت از صدای مردان. در این زبان لحظه‌هایی به تصویر کشیده می‌شود که شاید تنها برای یک زن، فهم‌شدنی باشد.

جنیفر کوتس<sup>۲</sup> بر این باور است که یادگیری نقش زن یا مرد چیزی جز یادگیری زبان جنسیتی مناسب نیست و امروزه زنان معتقدند که از دیدگاه روان‌شناسی، طرز فکر، فرهنگ و مسائل عاطفی با مردان تفاوت دارند (Coates, 1997: 13). هر جنبه‌ای از زبان مانند تن صدا، گزینش واژگان، شیوهٔ تلفظ و الگوهای گرامری می‌تواند نشان‌گر جنسیتی گوینده باشد. امروزه اصطلاح «گفتار جنسیتی» به گزینش‌های واژگانی و دستوری گوناگونی پیوند می‌خورد که به دست زنان و مردان انجام می‌گیرد؛ برای نمونه در مکالمه‌های روزانه، زنان آهنگ کلام مرددی (not sure intonation) دارند، بسیار مؤدبانه سخن می‌گویند و در سخنان خود حسن تعبیر (euphemism) به‌کار می‌برند؛ در صورتی که مردان اغلب در پاسخ‌های خود درنگ می‌کنند تا نفوذ و برتری خود و ناتوانی جنس مخالف خود را نشان دهند و بیشتر از زنان صحبت طرف مقابل خود را قطع می‌کنند (Stockwell, 2002: 16).

### جنسیت و ترجمه

ترجمه ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و همین ویژگی، امکان بررسی آن را از جنبه‌های گوناگون فراهم می‌کند. هزاران موضوع در پیوند با جنسیت را می‌توان در حوزهٔ ترجمه بررسی کرد که بر

1 Hélène Cixous

2 Jennifer Coates

پایه گونه متن مورد ترجمه، زبان و فرهنگ متفاوت دارد (Chamberlain 1998: 96). دو ویژگی، نظرها را بیشتر به خود جلب کرده است: از یک سو جامعه‌شناسی که کیفیت ترجمه را از دیدگاه تفاوت‌های جنسیتی مترجمان بررسی می‌کند و از سوی دیگر، زبان‌شناسی که کیفیت ترجمه و سبک نگارش را کاوش می‌کند. توجه به نقش جنسیت مترجم یکی از مهم‌ترین عناصر موجود در بررسی ترجمه است. چسترمن (۲۰۰۹) در دیدگاه پیشنهادی درباره گنجاندن مطالعات مترجم در حوزه‌ی مطالعات ترجمه در زمینه اهمیت نقش مترجم بر این باور است که ترجمه پدیده‌ای است در پی انتقال زبان متن مبدأ به زبان متن مقصد. در باور او آن سوی هر متن ترجمه شده، موجودی زنده، دارای احساس، فرهنگ و باور به نام «مترجم» وجود دارد. از این روی، در نظر گرفتن مترجم، شرایط فرهنگی، جنسیت، ویژگی‌های روان‌شناختی، میزان دانش و مهارت او در فهم زبان متن مبدأ و انتقال مفاهیم آن به زبان متن مقصد، سبک نگارش و ... در ارزیابی کیفیت ترجمه دوری‌ناپذیر است.

ون فلوتو (۲۰۰۱) مسائل مربوط به جنسیت و ترجمه را به این شکل مطرح می‌کند: ۱- با توجه به اینکه چه کسی ترجمه می‌کند، زن یا مرد؟ نقش جنسیت، کی، کجا و چگونه بر ترجمه تأثیر می‌گذارد؟ ۲- چگونه مسائل مربوط به جنسیت، تعریف‌ها و ساختار آن در ترجمه مؤثر است؟ و ۳- بود یا نبود هویت جنسیتی در پس ترجمه، چگونه در آن نمودار می‌گردد. و لیکاف بر این باور است هنگامی که یک مترجم مرد با دیدگاه و باورهای مردانه‌ی خویش متنی را که نوشته یک زن است ترجمه می‌کند، با مشکل روبه‌رو می‌گردد و دست‌یابی و انتقال زبان زنانه متن و مفهوم آن برای مردان ناممکن می‌شود؛ زیرا، آن‌ها دارای تجربه‌ها و پیش‌زمینه‌های زنانه نیستند و شیوه کاربرد مردان و زنان از زبان نیز متفاوت است (Lakoff, 1990: 200). افزون بر این، حتی یک مترجم زن نیز ممکن است توان انتقال پیام یک زن نویسنده را نداشته باشد؛ زیرا قراردادهای و ساختارهای اجتماعی - فرهنگی که در پیوند با جنسیت بر جامعه حکم‌فرما است، او را خاموش و سرکوب می‌نماید.

### معرفی نویسنده و رمان

احلام مستغانمی نویسنده الجزائری موفق و مدرس دانشگاه امریکایی بیروت، دانشگاه سوربن فرانسه، مونپولیه، دانشگاه میشیگان، دانشگاه لیون و ... بود که به سبب برخورداری از جایگاه بالای علمی و ادبی از جوایز و نشان‌های بسیاری بهره‌مند گشت، مانند: شخصیت فرهنگی الجزایری از طرف مجله‌ی (الأخبار الجزائریة) و کمیته‌ی (الصحافة الجزائریة)، در سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۸ چون یکی از صد شخصیت برتر ادبی در جهان عرب از سوی مجله‌ی (اریبیان بزنس)، کسب جایزه نور به سبب نخستین اثر ادبی زنانه در ۱۹۹۶ قاهره، برنده جایزه نجیب محفوظ

معروف به (کنکور) به سبب نوشتن رمان «ذاکره الجسد» در ۱۹۹۸، کسب نشان افتخار در ۲۰۰۶ از دست عبدالعزیز حاکم وقت الجزایر و دریافت نشان تقدیر از مؤسسه‌ی شیخ عبدالحمید بن بادیس در قسنطینه در ۲۰۰۶.

رمان *الأسود* یلیقُ بک داستان خواننده‌های الجزایری به نام هاله است که نماد وطن عربی است و تلاش می‌کند در کنار درستکاری، دلسوزانه و خشمناک از ستم زورگویانی پرده بردارد که تنها به منافع خویش می‌اندیشند. در فراز و نشیب رسیدن به این هدف، به یک رویداد پرماجرایی عاشقانه برمی‌خورد. عبارت «الأسود یلیقُ بک» را نخستین بار طلال، شخصیت مرد داستان بر روی کارت پستالی نوشت و همراه دسته گل برای هاله فرستاد: «فتحتُ بِلَهْفَهُ الفُضولَ الظرفَ الصغیرَ المرفقُ بها، لم یکن علی البِطاقه سِوی ثلاثُ کلماتٍ «الأسود یلیقُ بک» (مستغانمی، ۲۰۱۵م: ۳۸).

### ویژگی‌های زبان زنانه بر پایه‌ی الگوی سارا میلز در رمان برگزیده و مقایسه‌ی ترجمه‌های آن:

میلز افزون بر تحلیل زبانی آثار زنان همچون یک گونه‌ی کاربردی برجسته تأکید کرده و شیوه تحلیل زبانی آثار داستانی زنان را یادآور شده است (Mills, 2005: 33). او در کتاب سبک‌شناسی فمینیستی با الگوی تحلیلی متفاوت از الگوهای سبک‌شناسی سنتی در سه فصل به تحلیل عناصر سبک‌شناختی زنانه می‌پردازد. این الگوی تحلیلی دارای سه لایه است: لایه‌ی واژگانی، نحوی و گفتمانی. در این چارچوب در سطح واژگان به کاربرد واژه، نام‌ها، ضمائر، جمله-های بیانگر حالت‌ها و احساسات زنان توجه می‌گردد و در سطح جمله و نحو، چگونگی کاربرد واژه در جمله و همسانی در سطح همنشینی با واژه‌ها بررسی می‌گردد و تحلیل در سطح گفتمان (ویژگی‌های برون‌متنی و دیدگاه‌ها) تاکنون مورد تأکید قرار نگرفته است (106-66). گفتنی است در این پژوهش تنها به لایه‌ی واژگانی و نحوی می‌پردازیم.

### لایه واژگانی

این سطح از تحلیل بر چگونگی گزینش واژگان تأکید دارد؛ «در این لایه گرایش‌های جنسیتی در سطح تحلیل واژه‌های فردی کنکاش می‌شود» (Mills, 1995: 62). به عبارت دیگر، در این بخش، گزینش انتخاب‌گری مطرح است و باید به این پرسش پاسخ داد که نویسنده از رهگذر پیوندهای جانیشینی به گزینش چه واژه‌هایی پرداخته است؟ و این واژگان در نمایش مدار فکری او چه نقشی دارد:

## واژه‌های متعلق به حوزه زنان

این واژه‌ها دربردارندهٔ مواردی چون خانه‌داری، آشپزی، خرید، پوشش، احساسات مادرانه و ... است. واژگان به کاررفته در این رمان عبارت است از: بارداری، به دنیا آوردن، لوازم آرایش، حس مادرانه، زیبایی مو و صورت، لباس، ناخن و ...

ردیف	متن عربی	ترجمهٔ اکبری	ترجمهٔ حمادی
۱	انتظر أن تضع مولودها (۲۹).	منتظر شد که بچهایش را به دنیا بیاورد (۳۷).	وقتی آن زن پسرش را به دنیا آورد (۳۲).
۲	مرا بتجمل لك... تتغفج... تتبرج... لتوقعك، (۳۴).	زنی خودش را برای آرایش می‌کند، عشوه‌گری می‌کند، خودش را زیبا نشان می‌دهد تا تو را به دام بیندازد (۴۲).	زنی از راه می‌رسد و با دلبری سعی می‌کند دل تو به دست بیاورد (۳۶).
۳	وضعت شيئاً من الحمرة و زادت الكحل (۲۹۶)	کمی رژ کشید و خط چشمش را پررنگ کرد (۳۰۷).	کمی رژگونه مالید و سرمه بیشتری به چشم‌هایش کشید (۲۸۹).
۴	علبة البودرة التي أشرفت على نهايتها (۱۳۶).	جعبه پینک که چیز زیادی از آن نمانده بود (۱۴۹).	جعبه کرم پودری که در حال تمام شدن بود (۱۳۷).
۵	كانت فرصة نجلاء لتقدم لها آخر تعليماتها و هي تقوم تملس شعرها بالسشوار. (۲۴۴)	فرصتی بود برای نجلا که همین‌طور که موهایش را سشوار می‌کشید آخرین توصیه‌هایش را به او بکند (۲۵۸).	این کار برای نجلا فرصتی به وجود آورد تا آخرین توصیه‌هایش را به او گوشزد کند (۲۴۲).

مترجم زن (اکبری) به دلیل آشنایی با ویژگی‌های زنان، توصیف دقیق‌تری نشان داده و مترجم مرد (حمادی) به سبب ناآشنایی، ترجمه‌های کلی ارائه داده و گاه معادل‌های قدیمی واژگان زنانه را به کار برده است:

۱. «به دنیا آوردن بچه»، در هر دو ترجمه به درستی انتقال یافته است.
۲. اکبری ویژگی «خود را زیبا کردن و عشوه دادن» و... را ترجمه کرده، ولی حمادی افزون بر حذف این ویژگی‌ها فهم نادرستی از متن مبدأ داشته است.
۳. «حمرة الشفاه» که به آن «حمرة» نیز گفته می‌شود به معنای رژ است. اکبری معادل دقیق آن را آورده، ولی حمادی معادل اشتباه رژگونه را به کار برده است. «کحل» در معنای امروزی خط چشم نامیده می‌شود و اکبری با معنای جدید و حمادی با معنای سنتی آن را ترجمه کرده‌اند.

۴. «البودرة» در زبان عربی معادل پنکک است و اکبری درست برابریابی کرده است؛ ولی حمادی واژه کرم پودر را به کار برده که معادل دقیق آن نیست.
۵. «مأس السشوار» به معنای صاف کردن با سشوار است، اکبری معادل درست سشوارکشیدن را آورده و حمادی آن را حذف کرده است.

### صورت‌ها و اقلام واژه‌های عاطفی و جنسیتی

این عنوان، دربردارنده دشنامها، نفرینها و تکیه‌کلام‌های زنانه و واژگان دارای بار جنسیتی است. تکیه‌کلام زنانه و واژه‌های عاطفی در این رمان به چشم نمی‌خورد، ولی موارد بسیاری از تابوشکنی وجود دارد:

ردیف	متن عربی	اکبری	حمادی
۱	هو لم يهبها قِبْلَةً ... وهبها شفتيها، فما كان لها قِبْلَةٌ من شفتين! (۱۴۲)	طلال محبتی به او ارزانی نکرد، عشقش را به خودش پیشکش کرد آخر تا پیش از طلال عشقی نداشت (۱۵۴).	طلال فقط یک بوسه ساده به او نبخشیده است. لب‌های هاله را به او داده بود؛ زیرا قبل از اینکه طلال بیاید، لب نداشت (۱۴۳).
۲	أما هي، فلم تعرف الحبّ، ولا تذكر أنّ رجلاً قبله قِبْلَهَا (۱۵۰).	ولی هاله عشق را نمی‌شناخت... (۱۶۲)	اما هاله، چندان شناختی از عشق نداشت و به یاد نمی‌آورد مردی قبل از طلال او را بوسیده باشد (۱۵۲).
۳	عليك اللعنة... كدتَ تقتلني (۲۱۲).	لعنت به تو داشتی مرا می‌کشتی (۲۲۴).	لعنتی، کم مونده بود سکنه کنم! (۲۱۵)
۴	بدا لها أن قِبْلته طالت حدّ احمرار أوراق الشجر استحياءً و غيره، (۱۸۲)	در نظر هاله این رخداد آن قدر طول کشید که برگ درختان از شرم و از سر حسادت به سرخی گراییدند (۱۹۶).	هاله احساس کرد بوسه‌اش تا حد سرخ‌شدن درخت‌ها از شرم و حیا، طول کشید (۱۸۴).
۵	وضع قِبْلَةً على عُنقها، كما لو كان يلقها بشال من القبل، أو كمن يُقبّل عنق فرأشه دون المساس بجناحيها.	گردنش را بوسید، همچون کسی که بر گردن پروانه‌ای بوسه می‌زند بدون لمس کردن بال‌هایش.	_____
۶	وغادر و هو يخاصرها. (۲۵۴)	و دست به دور کمر او سالن را ترک کرد (۲۶۸).	و هاله را با خود برد (۲۵۰).

- هر دو مترجم واژه‌های تابو را در ترجمه خود وارد کرده‌اند، مانند: بوسه، آغوش، عشق رمانتیک، عشق ممنوعه و... گاهی حمادی در ترجمه توصیفی این واژه‌ها و عبارات‌های زبان ممنوعه از اکبری پیش گرفته است و گاهی اکبری.
۱. «قُبْلَة» از واژه‌های دارای بار جنسیتی است؛ اکبری به جای ترجمه بوسه و لب، دو واژه محبت و عشق را آورده، ولی حمادی هر دو واژه را به کار برده است؛ گرچه هر دو مترجم ترجمه را به نادرستی انتقال داده‌اند.
  ۲. اکبری از ترجمه جمله تابویی که معنای بوسه و بوسیدن دارد سرباز زده، ولی حمادی ترجمه درست ارائه داده است.
  ۳. هر دو مترجم معنای نفرین را به خوبی انتقال داده‌اند.
  ۴. اکبری با توجه به جمله پیشین به جای واژه بوسه «رخداد» را به کار برده و حمادی خود واژه را ترجمه کرده است.
  ۵. اکبری با جزئیات کامل واژه بوسه را ترجمه کرده و حمادی به طور کامل حذف کرده است.
  ۶. اکبری دست به دور کمر را ترجمه کرده، ولی حمادی از ترجمه "دست پشت او گذاشتن" صرف‌نظر کرده است.

### کاربرد رنگ‌واژه‌ها

در دیدگاه لیکاف، زنان در تشخیص رنگ‌ها بیشتر از مردان دقت می‌کنند. آن‌ها برای هر رنگی طیف‌های گوناگونی را در نظرمی‌گیرند، ولی مردان برای نمونه هر دو رنگ بنفش کم‌رنگ و پررنگ را بنفش می‌دانند (Lakoff, 1990:124). ولی درباره اینکه زنان قدرت ادراک رنگ بیشتری دارند، سندی وجود ندارد (اوگریدی، ۱۳۹۴ ش: ۵۳۸).

ردیف	متن عربی	اکبری	حمادی
۱	ثم أطلت كبعجة سوداء داخل ثوب أسود من الموسلين (۱۰۷).	اندکی بعد هاله ظاهر شد بسان پلیکانی سیاه رنگ (۱۱۹).	سپس او مانند قویی سیاه که لباس مشکی بلندی با لایه‌ای از چیت موصلی به تن کرده بود روی صحنه حاضر شد (۱۰۹).
۲	ربما كنت تفضّلينها وروداً حمراء (۱۲۴).	شاید ترجیح می‌دادی گل سرخ باشند (۱۳۷).	شاید ترجیح می‌دادی گل رز سرخ بفرستم (۱۲۶).
۳	لم أفهم لماذا تحبّ زهرة التوليب بالذات، وذلك اللون البنفسجي الغريب (۱۳۹).	نفهمیدم تو چرا فقط گل لاله را دوست داری، با آن رنگ بنفش عجیب و غریب (۱۵۲).	نمی‌دونم چرا شما از گلای لاله و اون رنگ بنفش عجیب و غریب خوشتر میاد (۱۴۰).

۴	دخلا إلى قاعة عريقة، تغطي جدرانها المرايا والإطارات الذهبية، (۲۴۸)	به تالار شکوهمندی وارد شدند. دیوارها پوشیده بودند از آینه‌ها و قاب‌های طلایی (۲۶۲).	طلال وارد تالار مجللی شدند که دیوارهایش با آینه‌ها و حاشیه‌های طلایی‌رنگ تزیین شده بود (۲۴۵)
۵	أبراج فاخرة في الرملة البيضاء تطل على البحر (۲۲۷).	برج‌های مجلل واقع در شن‌زار سفید مشرف به دریا (۲۳۹).	برج‌های لوکسی که در ساحل شنی سفید ساخته شده‌اند و مشرف به دریا بودند (۲۲۵).
۶	حتى الكراسي بلون عاجي غير مثقلة بالزخرفات (۲۰۷).	حتى صندليها بي پيرايه بودند به رنگ سفید عاجی (۲۱۸).	حتی صندلی‌ها نیز به رنگ سفید عاجی و فارغ از سنگینی تزیینات بود (۲۱۰).
۷	الذي يقدم لها العشاء في صحن البورسلين المغطاء بأعظية فضية فاخرة (۱۷۴).	که شام را در ظرف‌های پرسیلین پوشیده، سرپوش‌های نقره‌فام مجلل به خدمتش می‌آورد (۱۸۸).	که عشق غذا را در ظرفی چینی با درهای نقره‌ای به او تقدیم می‌کرد (۱۷۶).

واژه‌های بیان‌گر رنگ در این رمان محدود به تکرار رنگ‌های سفید، سیاه، قرمز، بنفش، طلایی و نقره‌ای است که هر دو مترجم توصیف کاملی از طیف رنگی ارائه کرده‌اند.

۱. واژه «آسود» در متن مبدأ دوبار تکرار شده؛ اکبری آسود دوم را ترجمه نکرده است، ولی حمادی هر دو را آورده است، گرچه در ترجمه‌اش اطناب دیده می‌شود.

۲. در ترجمه رنگ «حمراء» اکبری یک الگوی ثابت داشته و پیوسته معادل «سرخ» را به کار برده، ولی حمادی گاهی «رز» و گاهی «سرخ» ترجمه کرده است.

- شماره‌های ۳ و ۴ و ۵ رنگ‌های «البنفسجی»، «الذهبية» و «البيضاء» در ترجمه هر دو مترجم، به ترتیب بنفش، طلایی و سفید آمده است.

- رنگ «عاجی» در شماره ۵ در هر دو ترجمه به «سفید عاجی» برگردانده شده است.

- رنگ «فضیة» در شماره ۷، اکبری معادل ادبی تر «نقره‌فام» را در برابر حمادی «نقره‌ای» به کار برده است.

#### لایه نحوی (جمله)

در سطح جمله باید به این نکته توجه کرد که واژه در چه جمله‌ای به کار رفته است و در سطح هم‌نشینی با چه واژگانی همسانی ایجاد می‌کند (Mills, 2005: 106).

### جمله‌های توصیفی، اطناب و جزئی‌نگری

در دنیای زنان، نگاهی ریزبین، جزئی‌نگر و توصیفی مطرح است. «زنان عموماً جزئیات را می‌بینند. این نگاه ریزبین محدودهٔ جمله را کوچک می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۷). توصیف جزئیات یکی از ویژگی‌های مستغانمی در این رمان است:

ردیف	متن عربی	اکبری	حمادی
۱	كان كالأوراس المكلل أبداً بالثلوج، يبدو بقامته الفارعة وبعمامته البيضاء قريباً من السماء (۶۳).	پدربزرگ به اورس همیشه مزین به تاج برف می‌مانست با قامت برافراشته و عمامه سفیدش به نظر می‌آمد به آسمان نزدیک‌تر است (۷۳).	پدربزرگ مانند کوه اورس که همیشه تاجی از برف بر قله‌اش بود دستار سفیدی بر سر داشت با قد و قامتی بلند (۶۵).
۲	حتى الكلمات تتطلب منه إعادة نظر: «الوطن»، «الشهيد»، «القتيل»، «الضحية»، «الجيش»، «الحقيقة»، «الإرهاب»، «الإسلام»، «الجهاد»، «الثورة»، «المؤامرة»، «الكفار»: (۹۵).	حتی واژه‌ها از او نگاهی دوباره می‌طلبیدند: «وطن»، «شهید»، «کشته»، «قربانی»، «ارتش»، «حقیقت»، «تروریسم»، «اسلام»، «جهاد»، «انقلاب»، «توطئه»، «کفار» (۱۰۸).	حتی دربارهٔ ارتباط کلمات هم باید تجدید نظر می‌کرد (۹۸).
۳	لا تملك لاستقباله سوى أريكتين، و طاولة في زاوية من الغرفة، على شكل صالون. شعرت أن الطاولة فارغة و أن سلة الفواكه تحتاج لإعادة ترتيب، وضعت مكانها على الطاولة مزهرية، كي تبدو الغرفة أجمل (۱۳۶).	برای پذیرایی از او فقط دو تا مبل داشت و یک میز در گوشه‌ای از اتاقی به شکل یک هال. احساس کرد میز خالی است و سبد میوه‌ها از نو باید مرتب شود. روی میز یک گلدان گذاشت که اتاق زیباتر به نظر برسد (۱۴۸).	به جز دو کاناپه و یک میز که در گوشه‌ای از اتاق بود، چیز دیگری برای پذیرایی از طلال وجود نداشت. احساس کرد میز خالی است و سبد میوه نیاز به تجدیدنظر دارد؛ بنابراین به جای آن یک گلدان روی میز گذاشت تا اتاق زیباتر به نظر برسد (۱۳۷).

در این مؤلفه، حمادی از ترجمهٔ بسیاری از جمله‌ها صرف‌نظر کرده و اکبری در بیشتر موارد، اطناب به‌کاربرده است.

۱. اکبری واژه‌ها و جمله‌ها را بدون جافتادگی توصیف کرده و حمادی ترجمهٔ عبارت «قريباً من السماء: نزدیک به آسمان» را از قلم انداخته است.

۲. مستغانمی واژه‌ها را به شکل مجزا درون گیومه قرار داده است؛ اکبری همه این جزئیات را واژه‌به‌واژه ترجمه و درون گیومه قرار داده، ولی حمادی از ترجمه همه این اسم‌ها روبرتافته است.

۳. در هر دو ترجمه جزئیات رعایت شده است. با این تفاوت که در ترجمه اکبری جمله «لاتملک سوی..» به شکل مثبت (فقط .. داشت) آمده و ترجمه واژه «مکانها» در جمله «وضعت مکانها» از قلم افتاده است.

### جمله‌های کوتاه

مستغانمی در این رمان، شگرد کوتاه‌نویسی را با گذاشتن نقطه در پایان جمله‌های کوتاه پیش گرفته است:

ردیف	متن عربی	اکبری	حمادی
۱	فی الواقع هی لا تریدها أن تغنی. تخشی علیها من کل شیء. لو استطاعت لأبقتها فی البیت (۱۰۳).	در واقع مادرش نمی‌خواست آواز بخواند. از هر جهت نگرانش بود. اگر می‌توانست در خانه نگهش می‌داشت (۱۱۵).	در واقع مادرش با اجرای او مخالف بود و از هر لحاظ نگران. حتی اگر می‌توانست او را در خانه نگه می‌داشت و اجازه نمی‌داد بیرون برود (۱۰۵).
۲	لم یُصافحها. لم یلمس یدها. لم یلمس حتی سمعها بکلمة شکر. رفع یده یحییها من بعید و مضی. لم یمنحها فرصة أن تقول کلمة ... أولا تقول. أن تطرح سؤالاً أولاً تطرح. إنه إمعان فی الإهانة (۱۱۲).	با او دست نداد. دستش را لمس نکرد. حتی گوشش را با کلمه تشکر لمس نکرد. دست را از دور برای عرض ادب بالا برد و رفت. به او فرصت نداد یک کلمه بگوید یا نگوید. که سؤالی را مطرح کند یا نکند. این نهایت اهانت است (۱۲۴).	نه با او دست داد و نه حتی دستش را لمس کرد. حتی یک کلمه هم برای تشکر از او به زبان نیاورد. دست را به نشانه خداحافظی از دور بلند کرد و رفت. حتی فرصت حرف زدن یا اینکه چیزی بپرسد به او نداد و این یعنی بی‌احترامی (۱۱۴).
۳	نظرت إلی ساعتها من جدید. شهقت. یا ...! الوقت یمر بسرعة (۲۴۳).	دوباره به ساعتش نگاه کرد. نفسش را به سختی فرو داد. خدایا! زمان به سرعت می‌گذرد (۲۵۶).	دوباره به ساعتش نگاه کرد. آهی کشید. خدای من! زمان به سرعت می‌گذشت (۲۴۰).

تقریباً هر دو مترجم، از جمله‌های کوتاه در ترجمه خود بهره برده و با نقطه به آن پایان داده‌اند، ولی گاهی چاشنی اطناب به آن افزوده‌اند. در برخی موارد حمادی جمله‌های کوتاه را به

مرکب تبدیل کرده و دو جمله کوتاه را با استفاده از حروف ربط درهم آمیخته است. می‌توان گفت: اکبری اندکی بیشتر از محمدحمادی دقت داشته است:

۱. اکبری مانند متن مبدأ به سیاق جمله‌های کوتاه پایبند بوده و حمادی جمله «و اجازه نمی‌داد بیرون برود» را اطناب آورده است.

۲. جمله‌های کوتاه در هر دو ترجمه رعایت شده است؛ افزون بر اینکه در سطر دوم ترجمه اکبری اشتباه مفهومی دیده می‌شود.

۳. در این ترجمه نیز جمله‌های کوتاه مانند متن آورده شده است؛ فقط اکبری در ترجمه «شهب» با اشتباه واژگانی روبرو شده است.

### جمله‌های پرسشی به شکل حدیث نفس

پژوهشگران، کاربرد جمله‌های پرسشی را در میان زنان بیشتر از مردان می‌دانند. مستغانمی در روایت این داستان جمله‌های پرسشی بسیاری به کار برده است:

ردیف	متن عربی	اکبری	حمادی
۱	ما الذی جاء به الی الصفّ الرابع؟ و لماذا تنازل عن ثلاثه صفوف ما دام همه أن یكون الأول؟ (۱۰۹)	چه چیزی طلال را به ردیف چهارم آورده بود؟ و چرا او که دغدغه‌اش اول بودن است، سه ردیف عقب نشسته است؟ (۱۲۲)	چرا ردیف چهارم را انتخاب کرده بود؟ چرا از سه ردیف اول چشم پوشیده بود در حالی که به نظر می‌رسید هم و غمش این بوده که نفر اول باشد (۱۱۱).
۲	أیهما الأقوی إذا؟ هی فی مقامها العالی أم هو فی مجلسه الشاسع؟ (۱۱۰)	کدام یک قدرتمندترند؟ هاله در آن جایگاه بلند؟ یا طلال در آن جایگاه وسیع؟ (۱۲۳)	پس کدام یک قوی‌تر بود؟ هاله در جایگاه بلندش یا او با آن جای وسیعی که برای نشستن داشت؟ (۱۱۲)
۳	ماذا تفعل بجناحیهما؟ من تسأل عن هذا الإعصار الذی یحملها؟ (۲۵۴)	با بال‌هایش چه کند؟ درباره این تندبادی که او را با خود می‌برد، از که بپرسد؟ (۲۶۸)	با بال‌هایش چه کند، از چه کسی درباره این توفانی که او را بالا برده بود، بپرسد؟ (۲۵۱)

هر دو مترجم با رعایت صورت پرسش‌گرانه و علامت سجاوندی درست عمل کرده‌اند:

۱. پرسش‌ها و کلنجرهای ذهنی هاله که در برابر رفتارهای طلال در مانده شده است، در هر دو ترجمه به شکل جمله‌های پرسشی برگردانده شده است.

۲. هاله سردرگم در میان شناخت حقیقی جایگاه خود و طلال است. هر دو مترجم حالت پرسشگرانه متن را حفظ کرده‌اند، ولی اکبری به اشتباه دو بار علامت پرسش به کار برده و حمادی فعل «يحمل» را به معنای نادرست «بالا بردن» ترجمه کرده است.
۳. هاله سرشار از عشق طلال است و نمی‌داند این عشق را با چه کسی درمیان بگذارد. حالت پرسشگرانه در ترجمه اکبری حفظ شده، ولی علامت استفهام جمله اول در ترجمه حمادی حذف گشته و ترجمه نادرستی ارائه داده است.

### نشانه‌های فرازبانی

نشانه‌های غیرزبانی در گفتار به صورت حرکات سر و دست و لحن و آهنگ کلام و سکوت در نوشتار، به کاربردن سه نقطه یا خط تیره است (نجم عراقی، ۱۳۸۲ش: ۲۷۰). نشانه‌های فرازبانی در این رمان به صورت سه نقطه، در وسط و پایان جمله به کار رفته و در مواردی اندک، جمله معترضه (خط تیره) آمده است.

#### أ. سه نقطه

موارد بسیاری از نشانه سجاوندی سه نقطه (...) در این رمان دیده می‌شود:

ردیف	متن عربی	اکبری	حمادی
۱	معقول ... فوق هذا آلا يحضر أبدأ؟ (۱۰۵)	عجب! یعنی بعد از این همه ممکن است اصلاً نیاید؟! (۱۱۷)	مگه میشه؟! همه بلیتا رو بخره و نخواد بیاد؟! (۱۰۷)
۲	فلقد اشتری، لمدّة زمنیة، صوتها ... لا حبالها الصوتیة (۱۰۹).	آخر صدای او را برای مدتی خریده است، تارهای صوتی‌اش را که نخریده است (۱۲۱).	او تنها صدایش را برای مدت معینی خریده، نه تارهای صوتی‌اش را! (۱۱۱)
۳	ربما كان هذا قدرك ما داموا قد سموك هالة ... ثمّ أنا جائعة (۱۱۶).	شاید این پیشانی نوشتت بوده، چون اسمت را گذاشته‌اند هاله. بعد هم من گرسنه هستم (۱۲۸).	شاید چون اسمت را هاله گذاشتن، کارت به اینجا کشیده. اما الان از گرسنگی دارم هلاک می‌شم (۱۱۸).

- هر دو مترجم زن و مرد در موارد بسیار محدودی، سه نقطه را در ترجمه خود رعایت کرده‌اند و به جای آن نقطه، ویرگول، علامت تعجب و سؤال، نقطه ویرگول، دو نقطه و... گذاشته‌اند.
۱. اکبری به جای سه نقطه، علامت تعجب و حمادی علامت پرسش و تعجب به کار برده است.
۲. هر دو مترجم به جای سه نقطه، ویرگول گذاشته‌اند.

۳. هر دو مترجم به جای سه نقطه، نقطه به کار برده‌اند.

### ب. جمله‌های معترضه

کاربرد خط تیره در این رمان از بسامد پایینی برخوردار است:

حمادی	اکبری	متن عربی	ردیف
۱	یامکانک أن تصنعی من کلّ یوم تعیشینه قصیده - أضاف بعد شیء من الصمت - ... (۱۲۳)	تو می توانی از هر روزی که آن را تجربه می کنی یک شعر بسازی - بعد از اندکی سکوت افزود - ... (۱۳۶)	می تونی برای هر روز زندگیت یه شعر بگی - بعد از کمی سکوت ادامه داد - ... (۱۲۵)
۲	علیک أن تعیشیه هکذا- مواصلأ بعد شیء من الصمت- اجلسی (۱۳۸).	باید اینطوری تجربه‌اش کنی، - پس از چند لحظه سکوت ادامه می‌دهد- بنشین (۱۵۱).	باید اینطوری تجربه‌ش کنی - بعد از اندکی سکوت ادامه داد - بشین (۱۳۹).
۳	عزأوه آنها لاتسمع لحزنه صوتأ- وحده البحر یسمع أنین الحیتان فی المحيطات- لذا ... (۱۲).	دلش به این خوش است که هاله هیچ صدایی از اندوه او نمی شنود، «تنها دریاست که ناله‌ی نهنگان اقیانوس‌ها را می شنود»، به همین خاطر... (۱۹).	ناراحتی‌اش بیشتر از این بابت بود که این دختر، صدای حزن و اندوهش را نمی شنید - تنها دریا می‌تواند صدای ناله‌ی نهنگ‌ها را در اقیانوس بشنود - پس ... (۱۳).

برخلاف سه نقطه که هر دو مترجم بسیار اندک آن را رعایت کرده‌اند، جمله معترضه در بیشتر موارد مانند شماره ۱ و ۲ به همان شکل و در میان دو خط تیره در هر دو ترجمه انتقال یافته، ولی در موارد اندکی مانند شماره ۳ اکبری به جای خط تیره، جمله معترضه را درون گیومه قرار داده است.

### نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش نخست: أ. در لایه واژگانی:

۱- واژه‌های متعلق به حوزه زنان: اکبری واژه‌های مربوط به زیبایی‌ها، ظرافت‌های زنانه، لوازم آرایش، مو، ناخن، وضع حمل، حیا و... را با دقت بر پایه اصطلاحات دقیق ترجمه کرده است، ولی حمادی برخی از این واژه‌ها را ترجمه نکرده و گاهی واژه‌های قدیمی به کار برده و در برخی موارد نیز معنای دقیق آن را ننوشته است. ۲- واژه‌های عاطفی و جنسیتی: اکبری گاهی از شگرد حذف استفاده کرده، گاهی آن را با واژه‌ای دیگر جایگزین کرده و گاهی به آوردن سه نقطه بسنده

کرده و در سایر موارد به شکل درست ترجمه کرده است و حمادی در بیشتر موارد به صورت دقیق و با جزئیات ترجمه نموده، تنها در چند مورد شگرد حذف را در پیش گرفته است. ۳- رنگ‌واژه‌ها: هر دو مترجم از معادل‌های مناسب این واژگان استفاده کرده‌اند.  
ب. در لایه نحوی:

۱- جمله‌های توصیفی و جزئی‌نگری: اکبری واژه به واژه جزئیات را آورده و حمادی بسیاری از ترجمه‌ها را حذف نموده است؛ این حذفیات از یک عبارت تا یک جمله طولانی متغیر است و بنا بر ایدئولوژی و سبک مردانه به راحتی از آن عبور کرده است. ۲- جمله‌های کوتاه: اکبری این جملات را مانند متن مبدأ به صورت کوتاه و ربط ندادن جملات با حروف ربط و قرار دادن علامت سجاوندی نقطه در پایان جملات کوتاه انتقال داده است، فقط در یک مورد جمله کوتاه را در قالب یک عبارت کوتاه‌تر ترجمه کرده است. حمادی در ترجمه برخی از جمله‌ها به رعایت سیاق کوتاه‌نویسی پایبند بوده، ولی گاهی جملات کوتاه را با اتصال به کمک حروف ربط از دو جمله کوتاه به جمله‌ای مرکب تبدیل کرده است، در برخی موارد نیز جمله‌ای را به ترجمه افزوده و در یک مورد جمله‌ای کوتاه را حذف کرده است. ۳- جمله‌های پرسشی به شکل حدیث نفس: هر دو مترجم حالت پرسشگرانه را در ترجمه خود نشان داده‌اند. ۴- نشانه‌های فرازبانی: اکبری و حمادی در انتقال سه نقطه شیوه یکسانی داشته‌اند و به جای آن از دیگر علامت‌های سجاوندی مانند ویرگول، نقطه ویرگول، نقطه و ... استفاده کرده‌اند، و در ترجمه خط تیره (جمله معترضه) هر دو به درستی عمل کرده‌اند.

و در پاسخ به پرسش دوم:

حمادی	اکبری	مؤلفه	لایه
x	✓	واژه‌های متعلق به حوزه زنان	واژگان
✓	x	صورت‌ها و اقسام واژه‌های عاطفی و جنسیتی	
✓	✓	کاربرد رنگ‌واژه‌ها	
x	✓	جمله‌های توصیفی، اطناب، جزئی‌نگری	نحوی
x	✓	جمله‌های کوتاه	
✓	✓	جمله‌های پرسشی به شکل حدیث نفس	
✓	✓	خط تیره (نشانه‌های فرازبانی)	
x	x	سه نقطه (نشانه‌های فرازبانی)	

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت: اکبری و حمادی در هفت مؤلفه از مجموع یازده مؤلفه، عملکردی شبیه به هم و در چهار مؤلفه، عملکردی متفاوت داشته‌اند. در انتقال مؤلفه‌هایی که شبیه به هم بوده‌اند: کاربرد رنگ‌واژه‌ها (موفق)، جمله‌های پرسشی به شکل حدیث نفس (موفق)، نشانه‌های فرازبانی (سه نقطه: ناموفق و خط تیره: موفق). در مؤلفه‌هایی که عملکردی متفاوت داشته‌اند: واژه‌های متعلق به حوزه زنان (اکبری: موفق و حمادی: ناموفق)، صورت‌ها و اقلام واژه‌های عاطفی و جنسیتی (اکبری: ناموفق و حمادی: موفق)، جمله‌های توصیفی، اطناب، جزئی‌نگری (اکبری: موفق و حمادی: ناموفق)، جمله‌های کوتاه (اکبری: موفق و حمادی: ناموفق)..

## منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۰۴ هـ). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- اوگریدی، ویلیام. (۱۳۹۴ ش). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*. ترجمه علی درزی. تهران: سمت.
- العزیزی، خدیجه. (۲۰۰۵ م). *الأسس الفلسفية للفكر الأدبية النسوی العربي*. بیروت: بیان للنشر و التوزیع و الأعلام.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰ ش). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
- گرین، کیت و لیبیان، جیل. (۱۳۸۳ ش). *درس‌نامه نظریه و نقد ادبی*. ترجمه لیلا بهرامی محمدی و دیگران. تهران: روزگار.
- مستغنامی، احلام. (۲۰۱۵ م). *الأسود یلیق بک*. بیروت: انتشارات نوفل.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷ ش). *سیاه برازنده توست*. ترجمه مریم اکبری. تهران: انتشارات نیلوفر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ ش). *مشکی برازنده توست*. ترجمه محمد حمادی. تهران: نشر هیرمند.
- نجم عراقی، منیژه. (۱۳۸۲ ش). *زن و ادبیات؛ سلسله پژوهش‌های نظری درباره مسائل زنان*. تهران: چشمه.
- وردانک، پیتر. (۱۳۸۹ ش). *مبانی سبک‌شناسی*. ترجمه محمد غفاری. چاپ اول. تهران: نی.
- یزدانی، عباس و جندقی، بهروز. (۱۳۸۸ ش). *فمینیسم و دانش‌های فمینیستی*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- Cameron, D. (1990). **Why is language a feminist issue?** In D. Cameron (Ed.), *The feminist critique of language: A reader* (pp.1-31). London & New York: Routledge.
- Chamberlain, L<sup>۲</sup> (1998). **Gender and metaphors of translation**. *Journal of Women in culture and society*, 13(3), 454-472.
- Coates, Jennifer (1997). **Women, Men and Language: A Sociolinguistic Account of Gender Differences in Language**. 2nd. Ed. London: Longman.
- Chesterman, A. (2009). **The name and nature of translator studies**. *Journal of Language and Communication Studies*, 42(2), 13-23.

- Lakoff, R. (1990). **Language and woman's place**. New York: Harper & Row Publishers-
- Littosseliti, L., & Sunderland, J. (2002). **Gender Identity and Discourse Analysis: Theoretical and empirical considerations**. In L. Litosseliti, & J. Sunderland (Eds.), *Gender identity and discourse analysis* (pp. 1-43)-Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Mills, Sara (1995). **Feminist Stylistics**, London: Routledge.
- .....(2005). **Feminist Stylistics**, Second edition. Published in the Taylor & Francis e-Library.
- Stockwell, Peter (2002). **Sociolinguistics: A Resource Book for Students**. London: Routledge.
- Flotow, L.V. (2001). **Gender in translation: The issue goes on**. Retrieved September, 2, 2010.
- Flotow, L.V. (1997). **Gender and sexuality**. In M. Baker (Ed.), *Routledge encyclopedia of translation studies*. London in Print. 4(2), 69-84.
- Simon, S. (1996). **Gender in translation: Cultural identity and the politics of transmission**. London & New York: Routledge-
- Kari, A. (2016, March 18). **Gender**. Retrieved from <http://www.who.int/gender/whatisgender/en/>

#### COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: روان‌شاد فاطمه، افضلی فرشته، بررسی زبان زنانه و مردانه (موردپژوهی): ترجمه حمادی و اکبری از *رمان الأسود یلیق بک*، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۷۵، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۶۳-۱۴۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی